



Epistemological Validity of Convention in Avicennian Ethics

Dr. Hassan Mohiti Ardakan

Assistant professor, University of Islamic Sciences, Qom, Iran

Email: hekmat313@yahoo.com

Abstract

The emergence or dominance of conventional approaches in ethics and their inevitable consequences on human interactions and ultimately on the true happiness of mankind require analytical and critical examinations of such approaches. The issue of convention (*'urf*) can be examined from various dimensions. This article aims to reread the opinions of Islamic scholars and, focusing on the epistemological dimension of convention, to analyze and infer the perspective of the great thinker of the Islamic world, namely Avicenna based on authentic sources. This scrutinizing of Avicenna's works and thoughts negates any necessary correlation between conventional beliefs and ideas on the one hand and the achievement of a morally blissful reality on the other. Avicenna's explicit expressions, which indicate the possibility of falsity of conventional beliefs, the lack of validity of their origins, their conditional validity, and the incompatibility of their absolute validity with the goal of morality, highlight the negation of absolute validity of convention. From Avicenna's perspective, conventional moral beliefs are theoretical and their moral justification requires proof.

Keywords: Avicenna, convention, conventional beliefs, epistemological validity, moral goal.



Authors retain the copyright. This is an open access article distributed under
[Creative Commons Attribution 4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



اعتبار معرفت‌شناختی عرف در اخلاق سینیوی

حسن محیطی اردکان

هیئت علمی گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

hekmat313@yahoo.com

چکیده

ظهور یا رواج اندیشه‌های عرف‌گرایانه در فضای اخلاق و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن بر تعاملات انسانی و در نهایت سعادت حقیقی بشر، بررسی تحلیلی و انتقادی چنین رویکردهایی را می‌طلبد. مسئله عرف را از ابعاد گوناگون می‌توان بررسی کرد. پژوهش حاضر به هدف بازخوانی آراء حکمای اسلامی و با تمرکز بر بعد معرفت‌شناختی عرف، به تحلیل مستند و استنباط دیدگاه اندیشمند بزرگ جهان اسلام یعنی ابن‌سینا پرداخته است. حاصل تتبع در آثار و اندیشه‌های ابن‌سینا نفی تلازم باورها و اندیشه‌های عرفی از یک‌سو و دستیابی به واقعیت سعادت‌بخش اخلاقی از سوی دیگر است. تعابیر صریح ابن‌سینا که حاکی از احتمال کذب باورهای عرفی، فقدان اعتبار خاستگاه‌های باورهای عرفی، مشروط بودن باورهای عرفی و ناسازگاری اعتبار مطلق باورهای عرفی با غایت اخلاق است بر نفی مطلق‌انگاری اعتبار عرف تأکید می‌کند. از منظر ابن‌سینا باورهای اخلاقی عرفی نظری‌اند و توجیه اخلاقی آن‌ها نیازمند اقامه برهان است.

واژگان کلیدی: ابن‌سینا، عرف، باورهای عرفی، اعتبار معرفت‌شناختی، غایت اخلاق.

مقدمه

میزان اعتبار عرف در ارزش اخلاقی یکی از مسائل فلسفه اخلاق به شمار می‌آید و به لحاظ معناشناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی قابل بحث و بررسی است. از میان اندیشه‌های مغرب زمین دیدگاه‌های متعددی نظیر جامعه‌گرایی و انواع مختلف قراردادگرایی قابل‌شمارش‌اند که عرف را به معانی مختلف نظیر فهم عمومی مردم یا آراء خردمندان و عقلا از حیثیت‌های گوناگون مورد گفتگو قرار داده‌اند. مسئله اعتبار عرف در جهان اسلام و در میان طیف‌های گوناگونی از اندیشمندان اسلامی نظیر اصولیان، فقهاء، منطقیان، حقوق‌دانان و فلاسفه، هر کدام از منظری خاص بررسی شده است. آنچه در مقاله پیشرو محل بحث قرار خواهد گرفت بررسی اعتبار معرفت‌شناختی عرف از منظر ابن‌سینا است.

بررسی چنین مسئله‌ای به‌ویژه در عصر حاضر از هر دو جنبه نظری و عملی حائز اهمیت است؛ به جهت نظری مهم است زیرا وجود تعبیر مبهم یا مجمل و نیازمند تفسیر در تعبیر ابن‌سینا نظیر درج برخی گزاره‌های اخلاقی در ضمن مشهورات موجب برداشت ناصواب از اندیشه‌های حکمای اسلامی و در این پژوهش از اندیشه‌های ابن‌سینا شود. نمونه‌ای از چنین تفاسیری حتی در تقریر بزرگانی نظیر محقق اصفهانی و علامه محمد رضا مظفر نیز یافت می‌شود که تعبیر «لا عمده لها الا الشهرة» که ابن‌سینا در اشارات به کار برده به «لاواقع لها وراء الشهرة» و نظیر آن تفسیر شده و نتیجه آن گونه‌ای مرجعیت بخشی به عرف در مقام ثبوت و نهایتاً در مقام اثبات به شمار می‌آید.¹ بدیهی است پیشگیری از چنین خلطی می‌تواند از فواید بررسی چنین مسئله‌ای باشد. افزون بر این، فهم و تفسیر صحیح از اندیشه اندیشمندان بزرگ اسلامی و انعکاس درست آن، کاری درخور و شایسته و موجب حفظ و ترویج اندیشه‌های اصیل است. همچنین، نفوذ و رواج دیدگاه‌های عرف‌گرایانه نسبی‌گرایانه در عصر حاضر، بررسی علمی و دقیق اندیشه‌های حکمای بزرگ اسلامی را برای رویارویی علمی می‌طلبد و از این جهت بررسی آراء بزرگان اسلامی و نقض و ابرام‌های ایشان ضروری می‌نماید.

علاوه بر ابعاد نظری، بررسی اعتبار معرفتی آراء عرفی در اخلاق از جهت عملی نیز حائز اهمیت است. روشن است که معتبر دانستن احکام عرفی به لحاظ معرفت‌شناختی، مراجعه به آراء عمومی را در شناخت خوبی و بدی و درستی و نادرستی کارها به رسمیت خواهد شناخت که البته میزان آن بسته به میزان اعتبار عرف ممکن است حداقلی یا حداکثری باشد. در این صورت فهم عرفی برای تشخیص ارزش‌های اخلاقی حجت خواهد بود و در عرض سایر منابع معرفتی قرار خواهد گرفت و چه بسا تقدم آن در

1. اصفهانی، نه‌ایة الدرایة فی شرح الکفایة، 318/2؛ مظفر، اصول فقه، 207/1.

تراحات اخلاقی بر سایر منابع معرفت اخلاقی موجه خواهد بود. بدیهی است چنین نتیجه‌ای تنزل اخلاقی جامعه اسلامی را به دنبال خواهد داشت و اخلاق آسمانی و معنویت‌گرا را به اخلاق زمینی و مادی‌نگر فرو خواهد کشاند؛ امری که به تدریج در جامعه اسلامی در حال گسترش است درحالی‌که نه با آموزه‌های قرآن کریم به‌عنوان معتبرترین منبع نقلی سازگار است و نه با آراء حکمای اسلامی همخوان است.^۱ البته استلزامات فوق به معنای بی ارزش بودن معرفت عرفی و بر کنار داشتن آن از همه عرصه‌های اخلاقی نیست، بلکه لزوم تفکیک موضوعات اخلاقی، انواع عرف، توجیه معرفت عرفی و اموری از این دست را گوشزد می‌کند.

قلمرو این پژوهش محدود به آراء ابن‌سینا (370-428ق) است. وجه اهمیت آراء وی، چنان‌که بر آشنایان با اندیشه‌های سترگ بوعلی سینا پوشیده نیست، اشارات راهگشای وی به چنین مسئله‌ای است؛ اشاراتی که از عصر پساسینوی مستمسک عالمان پس از ایشان نظیر محقق اصفهانی (1296-1361ق)، محمدرضا مظفر (1322-1383ق)، علامه طباطبایی (ره) (1281-1360ش) و سایر اندیشمندان قرار گرفته و منشأ تفسیرهای گوناگون برای چنین مسئله‌ای قرار گرفته و تقریرهای مختلفی از اندیشه اعتبارگرایی را موجب شده است. در هر صورت تعابیر و مواضع ابن‌سینا در این زمینه از بحث برانگیزترین تعابیر و مواضع بوده و از این جهت بررسی آراء وی افزون بر فهم آراء وی در ارزیابی دیدگاه‌های سایر اندیشمندان متأثر از ایشان نیز تأثیرگذار خواهد بود.

مسئله اعتبار معرفت‌شناختی عرف در اخلاق سینوی به تفصیل و با رویکرد پژوهش حاضر یعنی رویکرد تحلیلی و انتقادی بررسی نشده است. در برخی آثار نظیر مقاله «بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن‌سینا با واقع‌گرایی اخلاقی» به قلم تقی محدر، گرچه اصل بحث مشهورات یا به تعبیری عرف در نگاه ابن‌سینا به اجمال مطرح شده، اما جنبه هستی‌شناختی آن به بحث گذاشته شده و نه جنبه معرفت‌شناختی آن. در مقاله دیگری با عنوان «توجیه گزاره‌های اخلاقی بر مبنای شهرت» به نگارش حسن محیطی اردکان، مسئله به‌طور کلی و از منظر اندیشمندان مختلفی به بحث گذاشته و بر آراء ابن‌سینا و تحلیل آراء و شواهد و مستندات آثار وی تأکید و تمرکز نبوده است. همچنین در کتاب نقش عرف در ارزش اخلاقی، به اعتبار معرفت‌شناختی عرف در اخلاق سینوی بسیار به اجمال و به‌صورت گذرا اشاره شده و تحلیل و بررسی جامعی در این باره صورت نگرفته است. ازاین‌رو پژوهش پیشرو نخستین پژوهشی به نظر می‌رسد که به بررسی ارزش معرفت‌شناختی عرف از منظر ابن‌سینا پرداخته و با این ساختار و تحلیل قرائن لفظی و

۱. محیطی، «ادله قرآنی عرف‌گرایان اثباتی در قلمرو اخلاق»، 94-101؛ محیطی، «توجیه گزاره‌های اخلاقی بر مبنای شهرت»، 20-23.

غیرلفظی (مبانی فکری) ابن سینا سعی در تحلیل و بررسی مسئله مذکور دارد.

پس از روشن شدن اصل مسئله، اهمیت و پیشینه بحث به معناشناسی عرف خواهیم پرداخت و پس از روشن شدن مقصود از مفهوم عرف، اعتبار معرفت‌شناختی آن از منظر ابن سینا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1- معناشناسی عرف

واژه عرف در لغت به معنای معروف و شناخته شده،¹ تابع و پشت سر هم بودن،² احسان و نیکی،³ هر چیزی که نفس انسان آن را نیک شمارد، بدان خو گیرد و آرامش یابد⁴ است. از منظر ابن فارس معانی ماده «ع رف» را می‌توان به دو معنای «تابع و اتصال اجزای یک چیز» و «سکون و طمأنینه» فروکاست.⁵ مفهوم عرف در علوم مختلف معانی اصطلاحی مختلفی به خود گرفته است. با قطع نظر از سایر علوم، این مفهوم در علم اخلاق و فلسفه اخلاق به دو صورت به کار رفته است: گاهی به فهم، باور، تصمیم، گفتار یا رفتاری اطلاق می‌شود که به صورت ارادی و مستمر توسط بیشتر افراد یک گروه تکرار می‌شود، خواه آن گروه کوچک باشد یا بزرگ، و خواه به قانون تعدیل شده باشد یا خیر. نتیجه تکرار زیاد یکی از امور فوق این است که موافقت با آن ستایش دیگران را به دنبال دارد و مخالفت با آن نکوهش دیگران را به همراه خواهد داشت. گاه نیز به خود اکثریت افراد یک گروه، خواه کوچک باشد یا بزرگ، عرف گفته می‌شود. عرف در پژوهش حاضر به فهم، باور، تصمیم (بنا)، گفتار یا رفتار مستمر و ارادی بیشتر افراد یک گروه یا خود افراد اطلاق می‌شود. مفهوم عرف در این اصطلاح فاقد عناصری نظیر عقلانیت و متشع بودن است و به صورت مطلق و به خودی خود دلالتی بر این امور ندارد و نسبت به این امور لایشرط است.⁶

2- عرف و مشهورات در اخلاق سینیوی

مفهوم عرف در این پژوهش معادل معنایی شهرت یا مشهورات است که امثال ابن سینا در آثار خود بدان اشاره کرده‌اند و در برخی مواضع گزاره‌های اخلاقی را در ذیل آن مثال زده‌اند. به عنوان نمونه ابن سینا در تعبیر «فمن المشهورات ما یكون السبب فی شهرته تعلق المصلحة العامة به ... مثل قولهم: العدل یجب

1. فراهیدی، العین، «عرف»: ابن منظور، لسان العرب، «عرف».

2. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، «عرف».

3. ابن منظور، لسان العرب، «عرف»: فیومی، المصباح المنیر، «عرف».

4. ازهری، معجم تهذیب اللغة، «عرف»: ابن منظور، لسان العرب، «عرف».

5. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، «عرف».

6. محیطی، نقش عرف در ارزش اخلاقی، 26-28؛ همو، «بررسی دلایل قرآنی عرف گرایان اثباتی»، 91-94.

فعله، و الکذب لا یجب قوله»^۱ یا عبارت «کقولهم إن العدل جمیل، و إن الظلم قبیح، و إن شکر المنعم واجب. فإن هذه مشهورات مقبولة»^۲ به مشهوری بودن گزاره‌های اخلاقی اشاره کرده است.

بنابراین مسئله پژوهش این است که آیا چنین فهم، باور، تصمیم، رفتار یا گفتاری که برخاسته از پذیرش عمومی است و صرفاً از پشتوانه آراء عمومی و شهرت بین مردم برخوردار است به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر است و می‌توان این‌گونه شناخت‌ها را به طور مطلق مبنای عمل اخلاقی قرار داد یا باید این دسته از معرفت‌ها را به طور مطلق بی اعتبار دانست یا راه تفصیل را باید ترجیح داد و تنها بخشی از چنین معرفت‌هایی را معتبر دانست و بخشی را بی اعتبار دانست.

نکته قابل توجه در طرح مسئله فوق این است که پیش فرض پژوهش عرفی بودن گزاره‌های اخلاقی نیست. نگارنده بر این باور است که ابن سینا در مقام ثبوت، گزاره‌های اخلاقی را عرفی نمی‌داند، بلکه اندیشه وی به دلیل معتقد بودن به واقعیت اخلاقی و واقع‌نما بودن گزاره‌های اخلاقی از زمره دیدگاه‌های رئالیستی و واقع‌گرایانه در حوزه هستی‌شناسی اخلاق به شمار می‌آید. بررسی ادله مدعای مذکور خارج از قلمرو پژوهش حاضر است، اما شواهد آن در دسترس است.^۳

با فرض واقع‌گرایانه بودن اخلاق سینوی، موضوع بحث حاضر درباره رواج و شهرت گزاره‌های اخلاقی است. گزاره‌های اخلاقی که حاکی از باور اخلاقی‌اند نظیر سایر انواع گزاره‌ها و باورها معتقدات مردم را شکل می‌دهند. بحث پیشرو بر سر این مسئله است که آیا رواج و شهرت چنین باورهایی می‌تواند به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر باشد؟

3- اعتبار معرفت‌شناختی

ارزش یا اعتبار معرفت عبارت است از میزان اعتمادپذیری معرفت برای فهم و کشف واقعیت. به تعبیر دیگر معرفت معتبر معرفتی است که برای فهم واقعیت می‌توان به آن اعتماد کرد و با آن واقعیت را کشف نمود. لازم به ذکر است که اعتبار معرفت‌ها ذو مراتب است و درجات مختلفی دارد؛ برخی معرفت‌ها کاملاً معتبرند و به صورت یقینی کاشف از واقعیت است، اما برخی دیگر تا حدی کاشف از واقع‌اند و به همان میزان در خور اعتماد هستند.^۴ به تعبیر دیگر احتمال مطابقت با واقع در برخی معرفت‌ها صددرصد است و در برخی معارف کمتر از صددرصد. معرفت‌های نوع دوم نیز به لحاظ اعتبار بسیار با یکدیگر متفاوت‌اند و

۱. ابن سینا، الشفاء، 40.

۲. ابن سینا، الشفاء، 66.

۳. محدر، «بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن سینا با واقع‌گرایی اخلاقی»، 42-45.

۴. مصباح و محمدی، معرفت‌شناسی، 31-32.

هر چه از معرفت یقینی دورتر باشند، احتمال معرفت‌شناختی آن‌ها پایین‌تر خواهد بود.

بر این اساس زمانی که اعتبار معرفت‌شناختی عرف مورد سؤال است باید به چنین پرسش‌هایی درباره عرف پاسخ داد که آیا عرفی بودن یک باور یا معرفت با واقع‌نما بودن آن‌ها تلازم داشته باشد یا خیر؟ و آیا به لحاظ معرفت‌شناختی می‌توان آن‌ها را مطابق با واقع دانست؟ اگر چنین باورهایی مطابق با واقع‌اند به چه میزان با واقعیت تطابق دارند و چگونه می‌توان مطابقت آن‌ها با واقع را نشان داد؟ و اگر با واقع مطابق نیستند دلیل یا ادله آن چه می‌تواند باشد؟

4- ادله نفی مطلق‌انگاری اعتبار عرف

در ادامه به ارائه شواهدی خواهیم پرداخت که اعتبار گزاره‌ها و باورهای عرفی را خدشه‌دار می‌کند و پرده از لزوم بررسی هر یک از این باورها به طور جداگانه برمی‌دارد. این شواهد که مستند به تعبیر صریح ابن‌سینا است، عبارتند از احتمال کذب باورهای عرفی، فقدان اعتبار خاستگاه باورهای عرفی، مشروط بودن صدق باورهای عرفی و تنافی اعتبار مطلق باورهای عرفی با غایت اخلاق. پس از تحلیل و بررسی شواهد مذکور، به بررسی اعتبار گزاره‌های عرفی اخص یعنی گزاره‌های عرفی ناظر به باورهای اخلاقی و توجیه معرفت‌شناختی باورهای مذکور از منظر ابن‌سینا خواهیم پرداخت.

1-4- احتمال کذب باورهای عرفی

به عقیده ابن‌سینا مشهور بودن یک گزاره تلازمی با صدق آن ندارد و به تعبیری محتمل الکذب است. از این رو به میزان احتمال کذب، از اعتبار معرفت‌شناختی آن کاسته می‌شود. به دیگر سخن این‌گونه نیست که تمام گزاره‌های عرفی صادق و مطابق با واقع نیز باشند، بلکه ممکن است برخی از این دسته گزاره‌ها مخالف واقع و به اصطلاح کاذب باشند. ابن‌سینا در موارد متعدد و با عبارات مختلفی نظیر مشهورات به امکان کذب گزاره‌های عرفی اشاره کرده است.

ابن‌سینا گاه مشهورات را به لحاظ تطابق با نفس الامر به دو قسم صادق و کاذب تقسیم کرده است مانند «هذه المشهورات قد يكون صادقة وقد يكون كاذبة»¹ و «المشهورات منها صادقة ومنها كاذبة»². ابن‌سینا در این عبارات به صراحت امکان کذب گزاره‌های عرفی را مطرح کرده است. همچنین ابن‌سینا تصریح کرده است که گزاره‌های عرفی ممکن است کاذب باشند، همان طوری که قضایای شنیع (مخالف

1. ابن‌سینا، الاشارات والتنبیها، 36، 220.

2. ابن‌سینا، رسالة فی ما تقرر عنده من الحكومة، 97؛ همو، القصيدة المزوجة فی المنطق، 14؛ همو، رسائل اخرى لابن‌سینا (هامش شرح الهدایة الاثیریة)،

21؛ همو، الشفاء، 66؛ همو، عیون الحکمة، 12.

مشهورات) ممکن است حق و صادق باشند: «فربّ شنیع حق و ربّ محمود کاذب».¹

ابن سینا در تعابیر دیگری گزاره‌های عرفی را به سه دسته صادق، صادق مشروط و کاذب تقسیم کرده است: «ازین جمله، بعضی راست است، ... و بعضی دروغ است الا بشرطی، ... و بسیار مشهور بود که دروغ صرف بود».² وی در این دسته از تعابیر ضمن تصریح به دروغ صرف بودن برخی از باورهای عرفی، اعتبار دسته دیگری از چنین باورها و معرفت‌هایی را مشروط می‌داند. این تعبیر نشان می‌دهد که باورهای عرف به خودی خود نمی‌توانند معتبر باشند، بلکه اعتبار آن وابسته به امور و معارف دیگری است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

شاهدی دیگر بر التفات ابن سینا به عدم مطلق‌انگاری اعتبار مشهورات یا باورهای عرفی تعبیری از وی است که در آن تلازم بین باور عرفی به قبیح بودن یک فعل و قبح واقعی آن به صراحت نفی شده است: «فإنّا إذا فعلنا مع أنفسنا رسمته و عرضنا هذه على الذّهن، .. و تكلفنا الشكّ أمكننا أن نشكّ في تلك المشهورات و نقول: عساها مستقبحة عند الناس و ليست في أنفسها بقيحة».³ تعبیر «فی أنفسها» در نقل قول مذکور چه به معنای «در واقع» باشد و چه به دلیل قرینه تقابل با «عند الناس» به معنای «با قطع نظر از نظر مردم» باشد، نافعی تلازم بین باور عرفی و واقعیت نفس الامری است. تعابیری با این وضوح تردیدی در لزوم اعتبارسنجی باورهای عرفی پیش از عمل به آن باقی نمی‌گذارد.

2-4- فقدان اعتبار خاستگاه باورهای عرفی

شاهد دیگری بر عدم اعتماد به عرف در نزد ابن سینا توجه به مبانی و مؤلفه‌های شکل‌گیری آراء عرفی است. روشن است که توجه به خاستگاه باورهای عرفی در تعیین اعتبار معرفت‌شناختی آن‌ها تأثیرگذار است. ابن سینا به عوامل زیادی اشاره کرده که ممکن است در شکل‌گیری عرف تأثیرگذار باشند. به عقیده وی مصالح عمومی، خلقیات و انفعالات، عادت‌های فردی، آداب و رسوم و سنت‌های قدیمی، استقرا، معاشرت با دیگران و معرفت نسبت به ادیان و مذاهب در مشهور شدن یک گزاره نقش دارند.⁴

ابن سینا در برخی موارد به این نکته تصریح کرده است که ممکن است آراء عرفی و مشهور بین مردم مبتنی بر واقعیت نباشد و یا در برخی موارد حتی مخالف واقع باشد. وی بر این باور است که برخی مطالب حتی به دلیل ملائمت با نفس انسان مورد تصدیق قرار می‌گیرند و به تدریج مشهور می‌شوند. به عنوان نمونه

1. ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، 36؛ همو، الشفاء، 66.

2. ابن سینا، رساله منطقی دانش نامه علائی، 121.

3. ابن سینا، رساله فی ما تقرر عنده من الحکومة، 96.

4. ابن سینا، النجاة فی الحکمة المنطقية والطبیعية و الالهية، 119؛ همو، الشفاء، 65؛ همو، الاشارات و التنبيهات، 36، 136؛ همو، رساله منطقی دانش نامه علائی، 121؛ همو، عیون الحکمة، 14، 12؛ همو، رسائل اخرى لابن سینا (هامش شرح الهدایة الاثیریة)، 21؛ همو، رساله فی ما تقرر عنده من الحکومة، 96.

اگر سخنی از فرد خوش‌بین، موثق، متواضع و یا محبوب صادر شود، بیشتر قابل قبول است تا سخن افرادی که فاقد ویژگی‌های مزبورند و همین امر نیز ممکن است به رواج و پذیرش آن در میان مردم منجر شود، درحالی‌که چنین مناشئی نمی‌تواند موجب اعتبار معرفت‌شناختی آن باشد. به باور ابن‌سینا شهرت و رواج برخی گزاره‌ها به دلیل ابتدای آن‌ها بر واقعیت نیست، بلکه خاستگاه آن سازگاری با اذهان و تناسب با تخیل افراد است. از نظر وی منشأ رواج برخی دیگر از گزاره‌های اخلاقی نیز تشابه با حق مشهور می‌شوند درحالی‌که در واقع مخالف حق‌اند: «فإن التسليم و الشهرة ليسا مبنين على الحقيقة، بل على حسب مناسيتهما للأذهان، و بحسب أصناف التخیل من الإنسان... و منها ما يحمل عليه مشاكته للحق، و مخالفته إياه بما لا يحس به الجمهور».¹

در اینجا ممکن است به استناد برخی عبارات مانند عبارت زیر گفته شود که به عقیده ابن‌سینا شهرت گزاره‌های اخلاقی بیش از آنکه متأثر از عوامل غیرعلمی باشد، متأثر از مصالح و مفاسد عمومی است. تأثر از مصالح و مفاسد عمومی تضمین‌کننده اعتبار دیدگاه عرف است.

«فمن المشهورات ما يكون السبب في شهرته تعلق المصلحة العامة به، و إجماع أرباب الملل عليه، قد رآه متقدموهم و متأخروهم، حتى إنها تبقى في الناس غير مستنده إلى أحد، و تصير شريعة غير مكتوبة، و تجري عليها التربية و التأديب؛ مثل قولهم: العدل يجب فعله، و الكذب لا يجب قوله».²

در پاسخ به این مطلب اشاره به این نکته لازم است که وی تنها در یکی از آثار خود شهرت گزاره‌های اخلاقی را مبتنی بر مصالح و مفاسد عمومی و اجماع کرده است و در سایر آثار وی بین اسباب شهرت گزاره‌های اخلاقی و سایر مشهورات تفکیکی نشده است. افزون بر این، ممکن است ابتناء شهرت گزاره‌های اخلاقی بر مصالح و مفاسد عمومی مربوط به برخی از گزاره‌های اخلاقی باشد و نه همه آن‌ها. بنابراین حداکثر چیزی که می‌توان گفت - و شواهد آن پیش از این ارائه شد - این است که برخی از مشهورات در صورت اثبات صدق و مطابقت آن‌ها با واقع معتبرند و نه همه آن‌ها. در همین موارد نیز اثبات مطابقت باورهای عرفی با مصالح و مفاسد عمومی و مبتنی بر واقعیت اخلاقی بودن آن مصالح و مفاسد نیازمند برهان است که ابن‌سینا در مواضع دیگری بدان اشاره کرده و در بخش اعتبار باورهای اخلاقی عرفی به آن خواهیم پرداخت.

بر این اساس آراء رایج میان افراد جامعه تلازمی با صدق واقعی آن‌ها ندارد. نتیجه اعتمادناپذیری معرفت‌شناختی نسبت به خاستگاه باورهای عرفی نفی تلازم بین باورهای عرفی و یقین به مطابقت آن‌ها با

1. ابن‌سینا، الشفاء، 39-40.

2. همان.

واقع است و همین امر برای تردید در اعتبار مطلق باورهای عرفی کافی است. البته این بدان معنا نیست که هیچ‌یک از باورهای رایج در میان مردم به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر نیستند، بلکه به این معناست که باورهای عرفی به خودی خود و صرفاً از آن جهت که رواج و شهرت یافته‌اند معتبر نیستند و حتی در صورت معتبر بودن، اعتبار خود را مدیون و مرهون سایر منابع معرفت‌شناختی معتبر هستند. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آن منابع معتبر که ممکن است در اعتباربخشی به باورهای عرفی مفید باشند کدام‌اند؟ ابن‌سینا در این باره توضیحاتی داده است که در ذیل سومین مستند دال بر عدم اعتبار مطلق باورهای عرفی بدان خواهیم پرداخت.

3-4- مشروط بودن صدق باورهای عرفی

ابن‌سینا بارها به این نکته اشاره کرده که گاهی ممکن است گزاره‌ای مشروط به شرطی باشد که از نظر مردم مخفی بماند و مردم آن را به صورت مطلق تصدیق کنند، درحالی‌که در واقع آن گزاره مشروط به آن شرط صادق است. وی در دانشنامه علائی می‌نویسد: «سبب وی آن بود که: آنجا شرطی باریک بود که بدان شرط: حال - و حکم برگردد، و لیکن آن شرط باریک بود و عامه مردم نداند، پس همچنان بی شرط بگیرد».¹ همچنین عبارات مشابهی در سایر آثار ایشان نظیر النجاة² و الشفاء (المنطق)³ در این زمینه به چشم می‌خورد. بنابراین، شهرت یک گزاره به هیچ روی نمی‌تواند گویای تمام واقعیت باشد و به تعبیری در صورتی که صادق باشد معمولاً غیردقیق است.

مشروط بودن صدق باورهای عرفی که ابن‌سینا صراحتاً مطرح کرده دلیل دیگری است بر اینکه صرف مقبولیت اجتماعی یک باور ارزشی را نمی‌توان به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر دانست و آن را مبنای عمل قرار داد، بلکه باید به دقت با بررسی دقیق و همه جانبه مسئله مورد نظر که مقبولیت نیز یافته، میزان انطباق آن را با واقعیات اخلاقی بررسی کرد و به همان میزان آن را معتبر دانست و مورد توجه قرار داد.

4-4- تنافی اعتبار مطلق باورهای عرفی با غایت اخلاق

دیدگاه اخلاقی ابن‌سینا در حوزه اخلاق هنجاری سعادت‌گرایانه است. به عقیده وی سعادت حقیقی ذاتاً مطلوب است و به اصطلاح ارزش ذاتی دارد⁴ و ارزش سایر امور ارزش نیز غیری و وابسته به ارتباط آن‌ها با سعادت است.⁵ تفسیر ابن‌سینا از سعادت با تبیین کمال قوای انسانی گره خورده کمال و سعادت

1. ابن‌سینا، رساله منطق دانش‌نامه علائی، 121.

2. ابن‌سینا، النجاة، 119.

3. ابن‌سینا، الشفاء (المنطق)، البرهان، 66.

4. ابن‌سینا، «رسالة فی السعادة»، در رسائل الشيخ الرئيس، ۲۶۰.

5. ابن‌سینا، ۲۶۱.

نفوس انسانی نیز در گرو کمال قوه نظری و عملی است.¹ کمال عقل نظری به این است که با تجرد از ماده و لواحق مادی، به مرتبه عقل مستفاد برسد² و کمال عقل عملی به این است که با دوری از افراط و تفریط بر قوای شهوت و غضب استیلا و تسلط یابد: «فسعادة النفس فی کمال ذاتها من الجهة التي تخصها هو صيرورتها عالما عقليا، و سعادتها من جهة العلاقة التي بينها وبين البدن أن يكون لها الهيئة الاستيلائية».³ این تبیین از سعادت که تبیین تفصیلی آن خارج از موضوع این پژوهش است و طرح دیدگاه هنجاری وی، تحقیق مستقلی را می‌طلبد، با مطلق دانستن اعتبار باورهای عرفی ناسازگار است، چرا که بین باورهای عرفی و تأمین چنین سعادت‌تی که حد قصوای آن سعادت اخروی است⁴ تلازمی وجود ندارد و معتبر دانستن آن با مبانی فکری ابن‌سینا ناسازگار است. بنابراین لازم است با تفکیک باورهای عرفی از یکدیگر از حکم کلی درباره اعتبار همه آن‌ها خودداری کرد و هر باوری را با توجه به احتمال صدق آن مورد قضاوت و داوری معرفت‌شناختی قرار داد.

5- اعتبار باورهای اخلاقی عرفی

تاکنون روشن شد که از نظر ابن‌سینا باورهای رایج در میان مردم لزوماً صادق و مطابق با واقع نیستند. این باورها ممکن است طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فقهی، فلسفی، کلامی، نظامی و نظایر آن را شامل شود. از جمله باورهای رایج در میان مردم باورهای اخلاقی است. با توجه به نکات فوق چنین باورهایی نیز لزوماً صادق نیستند، بلکه صدق آن نیازمند دلیل و برهان است. در این باره ابن‌سینا، به صراحت بدیهی بودن گزاره‌های اخلاقی را رد کرده و بر نظری و برهان‌پذیری گزاره‌های اخلاقی - که در بین مردم رایج شده‌اند - تصریح کرده است. چنین تفسیری بر خلاف نظر برخی شارحان ابن‌سینا یعنی محقق لاهیجی و سبزواری است که به ضروری و بدیهی بودن گزاره‌های اخلاقی معتقدند و آراء ابن‌سینا را نیز بدین سان تفسیر کرده‌اند⁵ و موافق تفسیر برخی دیگر از مفسران آراء ابن‌سینا نظیر آیت الله مصباح یزدی (ره) است که ابن‌سینا را معتقد به نظری و برهان‌پذیری گزاره‌های اخلاقی دانسته‌اند.⁶

1. ابن‌سینا، 277؛ ابن‌سینا، «رسالة فی علم الاخلاق»، در المذهب التروی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۳۶۹؛ همو، «رسالة فی البر والاثم»، در المذهب التروی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۳۵۵.

2. ابن‌سینا، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ۶۸۶-۶۸۷؛ همو، الشفا (الهیات)، ۴۲۵-۴۲۶؛ همو، المبدأ والمعاد، ۹۶-۱۰۰؛ همو، «رسالة فی اقسام العلوم العقلية»، در المذهب التروی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۲۶۱؛ همو، «رسالة فی البر والاثم»، در المذهب التروی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۳۵۵.

3. ابن‌سینا، المبدأ والمعاد، ۱۱۰؛ همو، «رسالة فی العهد» در تسع رسائل فی الحکمة والطبیعیات، ۱۴۹.

4. ابن‌سینا، «رسالة فی السعادة»، در رسائل الشیخ الرئيس، ۲۶۲-۲۶۳؛ همو، «الکشف عن ماهية الصلوة»، در الرسائل، ۳۰۳.

5. لاهیجی، سرمایه ایمان، 60-62؛ سبزواری، شرح الأسماء أو شرح دعاء الجوشن الکبیر، 321-322.

6. مصباح یزدی، شرح برهان شفا، 130-131.

ابن سینا در نفی بداهت گزاره‌های اخلاقی می‌نویسد: «فبعض هذا صادق لكنه ليس بدیهياً كما قد ظنه*كقولنا الظلم قبیح و الكذب* عار و ان العدل خیر مستحب».¹ ابن سینا در این تعبیر برخی از گزاره‌های اخلاقی مشهور را صادق و مطابق با واقع دانسته اما تصریح کرده که مطابقت گزاره‌های حاکی از قبح ظلم، ننگ و زشت بودن دروغ‌گویی و خیر بودن عدالت برخلاف گمان برخی، بدیهی نیست. وی در موضع دیگری نشان دادن صدق چنین گزاره‌هایی را که حاکی از باورهای مشهور بین مردم است را نیازمند حجت و برهان دانسته است:

«كقولهم ان العدل جميل، و ان الظلم قبیح، و ان شكر المنعم واجب. فان هذه مشهورات مقبولة، و ان كانت صادقة فصدقها ليس مما يتبين بفطرة العقل المنزل المنزلة المذكورة، بل المشهورات هذه و أمثالها منها ما هو صادق و لكن يحتاج فی أن یصیر یقیناً إلى حجة».²

همچنین در عبارت مشابه دیگری نیز ابن سینا موضع خود درباره نظری و برهانی بودن گزاره‌های اخلاقی عرفی را تکرار کرده است.³

نتیجه‌گیری

تعبیر مبهم، مجمل یا بررسی ناقص مواضع و تعبیر اندیشمندان اسلامی ممکن است تفسیر ناصواب از آراء و اندیشه‌های ایشان را به دنبال داشته باشد. همین موارد آراء ابن سینا را می‌تواند در معرض سوء برداشت و تفسیر قرار دهد. غیر واقع‌گرایانه دانستن دیدگاه اخلاقی ابن سینا یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های عرفی دانستن اخلاقی سینوی است و رد چنین برداشتی که در پژوهش‌های سابق انجام گرفته بطلان استنتاج مغالطی عرفی بودن اخلاقی سینوی را به دنبال دارد. با قطع نظر از خاستگاه هستی‌شناختی مسئله مورد نظر و با تمرکز بر مستندات معرفت‌شناختی برگرفته از آثار ابن سینا نیز فقدان اعتبار مطلق باورهای عرفی یا عرف به وضوح قابل استنتاج است. در دیدگاه واقع‌گرایانه ابن سینا، باورهای اخلاقی عرفی مطلق نیست و وابسته به خاستگاه و مبانی و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن دسته از باورهاست. از این‌رو در صورتی که برخاسته از مبانی یقین آور و مطابق با واقع باشد از بالاترین مراتب اعتبار معرفت‌شناختی برخوردار بود و در صورتی که برگرفته از مبانی ظن آور یا مشکوک باشد به همان میزان معتبر است. بنابراین از نظر وی در مواجهه با باورهای عرفی از فضایل و رذایل و معروف و منکر لازم است به جای مطلق‌انگاری چنین باورهایی به تفکیک باورهای معتبر از غیر معتبر پرداخت و از اسناد باورهای غیر معتبر به باورهای اخلاقی اصیل یا

1. ابن سینا، القصيدة المزدوجة فی المنطق، 14.

2. ابن سینا، الشفاء، 66.

3. ابن سینا، رسائل اخرى لابن سینا (هامش شرح الهدایة الاثریة)، 21.

باورهای اسلامی خودداری کرد. روشن است تدقیق در چنین تفکیکی می‌تواند مانع تفسیر لیبرال و سکولار از اخلاق اصیل اسلامی به تقریر برجسته‌ترین اندیشمند اسلامی یعنی ابن‌سینا شود.

منابع

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. رساله منطق دانش‌نامه علانی. به تصحیح محمد معین و سید محمد مشکوه. تهران: دهخدا، 1353.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. «رسالة فی البر و الإثم». در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، دراسة و تحلیل عبدالامیر ز. شمس الدین. بیروت: الشركة العالمية للكتاب، 1988 م.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. «رسالة فی علم الاخلاق». در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، دراسة و تحلیل عبدالامیر ز. شمس الدین. بیروت: الشركة العالمية للكتاب، 1988 م.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. «رسالة فی السعادة». در رسائل الشيخ الرئيس ابن‌سینا. قم: انتشارات بیدار، بی‌تا. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. «رساله فی اقسام العلوم العقلیه». در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، دراسة و تحلیل عبدالامیر ز. شمس الدین. بیروت: الشركة العالمية للكتاب، 1988 م.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. «رسالة فی العهد». در تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، القاهرة: مطبعة هندیه، 1326 ق.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. الاشارات و التنبیها، للخواجه نصیرالدین الطوسی، فخرالدین الرازی. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، 1404 ق.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. الشفا (الهیات). قم: مکتبه آیه الله المرعشی، بی‌تا.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. الشفاء: المنطق، القیاس. راجعه و قدم له ابراهیم مدکور، به تحقیق سعید زاید. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۳۴۳ ق.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. القصیده المزدوجة فی المنطق. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، بی‌تا.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. المبدأ و المعاد. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مک‌گیل، 1363.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. النجاة فی الحکمة المنطقية و الطبيعية و الالهية. قم: مکتبه المرتضویه، 1357 ق.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. النجاة من الغرق فی بحر الضلالات. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1364.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. رساله فی ما تقرر عنده من الحکومة. بی‌جا: داربیبلیون، بی‌تا.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. رسائل اخرى لابن‌سینا (هامش شرح الهدایة الاثریة). بی‌جا: بی‌تا.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. عیون الحکمة. بی‌جا: دارالقلم، بی‌تا.

ابن‌فارس، ابی‌الحسین احمد. معجم مقاییس اللغة. به تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالجبیل،

۱۴۱۱ق.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۳۰۰ق.
- ازهری، محمد بن احمد. معجم تهذیب اللغة. به تحقیق ریاض زکی قاسم. بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق.
- اصفهانى، محمد حسین. نهاية الدراية فى شرح الکفاية. به تحقیق رمضان قلی زاده مازندرانی. بی جا: بی نا، بی تا.
- راغب اصفهانى، ابی القاسم حسین بن محمد. المفردات فى غریب القرآن. بی جا: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق.
- سبزواری، ملاهادی. شرح الأسماء أو شرح دعاء الجوشن الکبیر. به تحقیق نجفقلی حبیبی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. العین. به تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: دارالهمزة، ۱۴۰۵ق.
- فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۱م.
- لاهیجی، عبدالرزاق. سرمایه ایمان. به کوشش صادق لاریجانی آملی. تهران: الزهراء، ۱۳۶۴.
- محرر، تقی. «بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن سینا با واقع گرایی اخلاقی». معرفت ۲۰۱ (شهریور ۱۳۹۳): ۳۵-۴۵.
- محیطی اردکان، حسن. «بررسی ادله قرآنی عرف گرایان اثباتی در قلمرو اخلاق». قرآن شناخت ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۸۹-۱۰۳.
- محیطی اردکان، حسن. «توجیه گزاره های اخلاقی بر مبنای شهرت». معرفت اخلاقی ۱۷ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۲۴-۵.
- محیطی اردکان، حسن. نقش عرف در ارزش اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷.
- مصباح، محبتی و عبدالله محمدی. مبانی اندیشه اسلامی (I): معرفت شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی. شرح برهان شفا. به تحقیق و نگارش محسن غرویان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
- مظفر، محمد رضا. اصول فقه. قم: المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.

Transliterated Bibliography

- Azharī, Muḥammad Ibn Aḥmad. *Muḥam Tahdhib al-Lughā*. researched by Riyāz Zakī Qāsim. Beirut: Dar al-Ma'rifa, 2001/1422.
- Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *al-ʿAyn*. researched by Maḥdī Makhzūmī va Ibrāhīm Sāmarrāyī. Qum: Dār al-Hanzah, 1985/1405.
- Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Miṣbāḥ al-Munir*. Beirut: Maktaba Lubnān Nāshirūn, 2001/1422.

Ibn Fāris, Abī al-Ḥusayn Aḥmad. *Muḥjam Maqāyīs al-Lughā*. researched by ‘Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Beirut: Dār al-Jabal, 1991/1411.

Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir, 1882/1300.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Qaṣida al-Muzdawija fī al-Mantiq*. Qum: Maktaba Āyat Allāh al-Mar‘ashī al-Najafī, s.d.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. “Risāla fī al-‘Ahd” dar *Tis‘a Rasā’il fī al-Ḥikma wa al-Ṭabīyāt*, Cairo: Maṭba‘a Hindīyah, 1908/1326.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. “Risāla fī **al-Barr wa al-Ithm**” dar *al-Madhhab al-Tarbawī ‘ind Ibn Sīnā min Khilāl Falsafatih ‘Amaliya*, Dirādah wa Taḥlīlī ‘Abd al-Amīr Z. Shams al-Dīn. Beirut: al-Shirka al-‘Ālimiyya li-l-Kitāb, 1988/1366.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. “Risāla fī Aqsām al-‘Ulūm al-‘Aqliyya” dar *al-Madhhab al-Tarbawī ‘ind Ibn Sīnā min Khilāl Falsafatih ‘Amaliya*, Dirādah wa Taḥlīlī ‘Abd al-Amīr Z. Shams al-Dīn. Beirut: al-Shirka al-‘Ālimiyya li-l-Kitāb, 1988/1366.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. “Risāla fī ‘Ilm al-Akhlāq” dar *al-Madhhab al-Tarbawī ‘ind Ibn Sīnā min Khilāl Falsafatih ‘Amaliya*, Dirādah wa Taḥlīlī ‘Abd al-Amīr Z. Shams al-Dīn. Beirut: al-Shirka al-‘Ālimiyya li-l-Kitāb, 1988/1366.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. “Risāla fī Sa‘āda” dar *Rasā’il al-Shaykh al-Ra’īs Ibn Sīnā*. Qum: Intishārāt-i Bidār, s.d.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Ishārāt wa al-Tanbihāt, li-l-Khwājah Naṣīr al-Dīn al-Ṭūsī, Fakhr al-Dīn al-Rāzī*. Qum: Maktaba Āyat Allāh al-Mar‘ashī al-Najafī, 1984/1404.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Mabda’ wa al-Ma‘ād*. Tehran: Mū’assisah-yi Muṭālī‘āt-i Islāmī University of Tehran, McGill University, 1985/1363.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Najāh fī al-Ḥikma al-Mantiqiyya wa al-Ṭabī‘iya wa al-Ilāhiyya*. Qum: **Maktaba** Murtaẓaviyya, 1978/1357.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Najāh min al-Gharq fī Baḥr al-Ḍalālāt*. Tehran: Intishārāt-i University of Tehran, 1986/1364.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Shifā’ (Ilāhiyāt)*. Qum: **Maktaba** Āyat Allāh Mar‘ashī, s.d.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abd Allāh. *al-Shifā’: al-Mantiq, al-Qiyās. Rāji‘ah wa Qadam lahu Ibrāhīm Madkūr*;

researched by Sa'īd Zāyid. Qum: Maktaba Āyat Allāh al-Mar'ashī al-Najafī, 1924/1343.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Rasā'il Ukhra li-Ibn Sīnā (Hāmish Sharḥ al-Hidāya al-Athīrīya)*. s.l. **s.n. s.d.**

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Risālah fī mā Taqarar 'indahū Min Ḥukūma*. S.l. Dār Byblion, s.d.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Risālah Mantīq Dānish Namah-yi 'Alā'i*. ed. Muḥammad Mu'in va Sayyid Muḥammad Mishkāṭ. Tehran: Dihkhudā, 1974/1353.

Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *Uyūn al-Hikmah*. S.l. Dār al-Qalam, s.d.

Isfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *Nihāya al-Dirāya fī Sharḥ al-Kifāya*. researched by **Ramaḍān** Qulizādah **Māzandarānī. s.l.:** s.n. s.d.

Lāhijī, 'Abd al-Razzāq. *Sarmāyih Imān*. researched by Sādiq Lārījānī Āmulī. Tehran: al-Zahrā, 1985/1364.

Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī. *Sharḥ Burhān Shifā*. researched by Muḥsin Gharavīyān. **Qum:** Mū'assisah-yi Āmūzishī va **Pazhūhishī Imām Khumīnī**, 2008/1386.

Miṣbāḥ, Muṭtabā va 'Abd Allāh Muḥammadī. *Mabānī Andīshih-yi Islāmī (1): Ma'rifatshināsī*. **Qum:** Mū'assisah-yi Āmūzishī va **Pazhūhishī Imām Khumīnī**, 2020/1398.

Muḥadir, Taqī. "Barrisī Nisbat Dīdgāh-i Akhlāqī Ibn Sīnā bā Vāqī' girāyī Akhlāqī". *Ma'rifat* 201 (Shahrivar 2015/1393): 35-45.

Muḥīṭī Ardakān, Ḥasan. "Tawjīh Guzārih-hā-yi Akhlāqī bar Mabnā-yi Shuhrat". *Ma'rifat Akhlāqī* 17 (spring and summer **2016/1394**): 5-24.

Muḥīṭī Ardakān, Ḥasan. "Barrisī Adalah Qurānī 'Urfgirāyān Isbātī dar Qalamrū Akhlāqī". *Qurānshinākht* 18 (spring and summer 2017/1396): 89-103.

Muḥīṭī Ardakān, Ḥasan. *Naqsh 'Urf dar Arzish Akhlāqī*. **Qum:** Mū'assisah-yi Āmūzishī va **Pazhūhishī Imām Khumīnī**, 2019/1397.

Muẓaffar, Muḥammad Riḍā. *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: al-Ma'arif al-Islāmīyya. 1995/1416.

Rāghib Isfahānī, Abī al-Qāsim Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt fī Gharīb al-Qurān*. s.l. Daftar Nashr al-Kitāb, 1984/1404.

Sabzavārī, Mu'ā Hādī. *Sharḥ al-Asmā' aw Sharḥ Du'ā' al-Jawshan Kabīr*. researched by Najaf Qulī Ḥabībī. Tehran: University of Tehran, 1994/1372.